

ارتباط فضاهای سکونتی با ابعاد سبک زندگی
(بررسی تطبیقی دو محله سنتی و معاصر شهر تبریز)*
مینو قره‌بگلو^۱، مهتاب هاشمی آقاجری^۲ و حامد بیٹی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی ارتباط فضاهای سکونتی با ابعاد سبک زندگی ساکنان است. از بعد نظری، یکی از موارد تأثیرگذار بر سبک زندگی در میان ساکنان فضاهای سکونتی، قابلیت‌هایی است که محیط در اختیار انسان قرار می‌دهد. با واکاوی ابعاد مختلف سبک زندگی و قابلیت‌های مکانی تأثیرگذار، ارتباط میان مؤلفه‌های مکان و ابعاد سبک زندگی در محله‌های سنتی و معاصر در راستای اعتبارسنجی الگوی نظری تحقیق در شهر تبریز بررسی شد. تعداد جامعه آماری، ۲۰۰ نفر از ساکنان هر محله است که به روش تحلیل عامل تأییدی به بررسی تأثیرگذاری فضاهای سکونتی بر ابعاد سبک زندگی پرداخته شد. مهم‌ترین یافته‌های تحقیق این است که قابلیت‌های فضاهای سکونتی می‌توانند بر ابعاد مختلف سبک زندگی تأثیرگذار باشند. آزمون مطالعات نظری در محله‌های سنتی و معاصر حاکی از این است که در محله سنتی، قابلیت فیزیکی در سطح محله و قابلیت نمادین در سطح خانه، بیشترین تأثیر را بر رشد ابعاد سبک زندگی داشته‌اند. در خصوص ابعاد سبک زندگی در سطح محله، بُعد تعامل، تحت تأثیر قابلیت فیزیکی و در سطح خانه، بُعد تعامل، تحت تأثیر قابلیت نمادین، تأثیرپذیری بیشتری داشته‌اند. در محله معاصر، قابلیت اجتماعی در سطح محله و قابلیت نمادین در سطح خانه، حداکثر تأثیر را بر تقویت ابعاد سبک زندگی داشته‌اند. در خصوص ابعاد سبک زندگی در سطح محله، بُعد وحدت، تحت تأثیر قابلیت اجتماعی و در سطح خانه، بُعد وحدت، تحت تأثیر قابلیت نمادین، تأثیرپذیری بیشتری داشته‌اند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، شهر تبریز، فضاهای سکونتی، محله‌های سنتی، محله‌های معاصر.

* مقاله علمی - پژوهشی، مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «قابلیت‌های فضاهای سکونتی در راستای تحقق سبک زندگی اخلاقی (اعتبارسنجی در فضاهای سکونتی سنتی و معاصر شهر تبریز)»، با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری

۱. دانشیار معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول).

m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری معماری اسلامی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

m.mahtab@tabriziau.ac.ir

۳. استادیار معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز. H.beyti@tabriziau.ac.ir

The Relationship between Residential Environments and Lifestyle Dimensions (A Comparative Study of a Traditional and a Contemporary Neighborhood in Tabriz, Iran)

Minou Gharehbaglou¹, Mahtab Hashemi Aghajeri² & Hamed Beyti³

Received April 4, 2020 Accepted: January 20, 2021

Abstract

The aim of this study is to investigate the relationship between residential environments and the residents' lifestyle dimensions. Theoretical studies suggest that the capabilities of residential environments can affect different aspects of lifestyle. To validate the theoretical model of the study, a traditional and a contemporary neighborhood in Tabriz were selected. The statistical population for each neighborhood was determined to be 200 residents. A confirmatory factor analysis was used to evaluate the impact of residential environments on lifestyle dimensions. The results of our theoretical tests on a traditional and a contemporary neighborhood suggested that in the traditional neighborhood, the physical capability at the neighborhood level and the symbolic capability at the home level had the highest impact on the development of lifestyle dimensions. In terms of lifestyle dimensions, at the neighborhood level, the interaction dimension was affected the most by the physical capability, whereas at the home level, the interaction dimension was affected the most by the symbolic capability. In contrast, in the contemporary neighborhood, the social capability at the neighborhood and the symbolic capability at the home level had the highest impact on the improvement of lifestyle dimensions. In terms of lifestyle dimensions, at the neighborhood level, the unity dimension was affected the most by the social capability, whereas at the home level, the unity dimension was affected the most by the symbolic capability.

Keywords: Residential environments, lifestyle, traditional neighborhoods, contemporary neighborhoods, Tabriz.

1. Associate Professor of Architecture, Islamic art university of Tabriz (Corresponding Author). m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

2. PhD Student of Islamic Architecture, Islamic art university of Tabriz. m.mahtab@tabriziau.ac.ir

3. Assistant Professor of Architecture, Islamic art university of Tabriz. H.beyti@tabriziau.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

انسان در طول زندگی، همواره در ارتباط مستقیم با فضای سکونت خود بوده و این کنش متقابل، بر تمام ابعاد وجودی انسان و سبک و شیوه زندگی وی تأثیرگذار بوده است. دستیابی به سبک و شیوه زندگی، مسئله‌ای بسیار پیچیده است که یکی از ریشه‌های آن، در تعامل و ارتباط میان فضاهای سکونتی و ابعاد سبک زندگی، قابل تحلیل است. دوران مدرن و پست‌مدرن با تمام ویژگی‌های مثبت و منفی، تمام جوانب و ابعاد زندگی انسان را تحت شعاع قرار داده است که در این میان، معماری و شهرسازی نیز دستخوش تغییرات زیادی در کالبد و معنا بوده است. در این دوران، رشد شهرنشینی و ساخت شهرک‌ها و محله‌های معاصر، در نتیجه زندگی مدرنیته با کالبدی متفاوت، خواه‌ناخواه بر سبک زندگی انسان‌ها تأثیر گذاشته و آن‌ها را به سمت داشتن شیوه زندگی متفاوت سوق داده است، اما در مقابل هنوز هم برخی محله‌ها و بافت‌های سنتی هستند که توانسته‌اند سال‌های سال با حفظ کالبد معماری و شهرسازی سنتی خود در محله، همچنان اصالت و سنت زندگی خود را حفظ کنند. بنابراین محققان با مطرح کردن این مسئله که کدام قابلیت‌های محیط در محله‌های معاصر و سنتی تأثیرگذاری بیشتری بر ابعاد سبک زندگی ساکنان دارد، وارد فرایند تحقیق شدند. در این راستا، با انتخاب محله نوبر تبریز به‌عنوان محله سنتی که با وجود نوسازی‌های اخیر هنوز هم توانسته است اصالت و شیوه زندگی سنتی ساکنان خود را حفظ کند و همچنین محله گلشهر و پرواز به‌عنوان یکی از محله‌های معاصر شهر تبریز، که در معماری و شهرسازی این محله از اصول معماری مدرن استفاده شده است، تلاش شد تا میزان و چگونگی تأثیر محیط (قابلیت‌های محیط) را بر ابعاد سبک زندگی در دو محیط متفاوت (سنتی و معاصر) مورد بررسی قرار داده و در نهایت تأثیرگذارترین قابلیت هر محیط (سنتی و معاصر) بر ابعاد سبک زندگی شناسایی شود، تا بتوان با شناسایی این پتانسیل‌های محیطی، در جهت تأثیرگذاری بر ابعاد سبک زندگی گام برداشت.

هدف تحقیق، مطالعه تأثیر قابلیت‌های فضاهای سکونتی بر ابعاد سبک زندگی ساکنان است و این تحقیق در پی پاسخگویی به این سؤال است که فضاهای سکونتی چگونه و بر چه بُعدی از سبک زندگی ساکنان آن، تأثیرگذار هستند؟ در این راستا، در بخش نظری پژوهش تلاش شد تا ابتدا، ابعاد مختلف سبک زندگی مورد واکاوی قرار گیرد و سپس تأثیر مؤلفه‌های مکانی بر این

ابعاد، سنجش شود. در گام نهایی پژوهش، ارتباط میان مؤلفه‌های مکان و ابعاد سبک زندگی در محله معاصر تدقیق شد.

مبانی و چارچوب نظری

برخی منابع به تأثیر معماری بر سبک و شیوه زندگی انسان‌ها اشاره کرده‌اند که در این میان، حائری مازندرانی (۱۳۸۸) در کتاب «خانه، فرهنگ، طبیعت» به تعدادی از خانه‌های سنتی شهرهای همدان، رشت، کاشان، شیراز و بوشهر پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده است که خانه‌های امروز رابطه خود را از فرهنگ و طبیعت گسسته‌اند.

نتایج تحقیق ابراهیمی، سلطانزاده و کرامتی (۱۳۹۶) که با هدف بررسی میزان اثربخشی فرهنگ غرب در سبک زندگی مردم شهر همدان در اواخر دوره قاجار و به تبع آن میزان تأثیرگذاری آن در عرصه معماری خانه‌ها بوده است، نشان‌دهنده تغییرات سبک زندگی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده که این تغییرات، معماری خانه‌ها را تحت شعاع قرار داده است. این تغییرات در مرحله اول در معماری خانه‌های طبقه اعیانی تجار به منصفه ظهور رسیده است. در عرصه کلان فضا، سادگی فرم و حذف حیاط‌های چندگانه قابل ملاحظه است. در عرصه تحولات میانی، تحول در سازمان‌دهی فضای داخلی و توسعه و بسط فضای داخلی مطرح بوده و در عرصه خرد فضا، اهمیت نمادین برخی از عناصر معماری شامل ستون، پله و تزئینات مورد توجه بوده است.

پژوهش فرنسمن^۱ و تیمیرین^۲ (۲۰۱۷)، بر روی عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و فضایی ساکنان خانه‌های بازسازی شده تمرکز دارد. نتایج این پژوهش اکتشافی نشان داد که رفتار محیطی شهروندان می‌تواند از طریق کنترل رفتاری، هنجارهای رفتاری و هویت مکانی پیش‌بینی شود و ۴۰ درصد از واریانس کل رفتار محیطی را تبیین کند. نکته قابل تأمل این است که مداخله‌ها برای ارتقای رفتار محیطی باید با گروه‌های خاص اجتماعی سازگاری داشته باشند.

محمود^۳ (۲۰۱۸)، به مطالعه رابطه بین محیط فیزیکی و رفتار ساکنان آن در شهرهای سنتی می‌پردازد و اثرات یک محیط فیزیکی خاص را در جنبه‌های مختلف زندگی افراد آن و همچنین

1. Fransman
2. Timmeren
3. Mahmoud

تأثیر متقابل آن‌ها و تغییر ویژگی‌های محیطی که در آن زندگی می‌کنند، تحلیل می‌کند. این کار با تجزیه و تحلیل سبک معماری خاص مسکن و شکل‌گیری عناصر و خصوصیات آن و تأثیر آن‌ها بر سنت‌ها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی مردم انجام شد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وضعیت موجود محیط مسکونی در شهر قدیمی، بخش اعظم ارزش‌های فرهنگی خود را از دست داده است، که پیوند بین هویت فرهنگی و اجتماعی ساکنان و سبک معماری بافت فیزیکی مسکن را تشکیل می‌دهد. همچنین نشان می‌دهد که واقعیت وضعیت موجود آن تأثیر منفی بر ویژگی‌های ساکنین و ارزش‌های زندگی آن‌ها دارد.

مرور تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که هرکدام از پژوهش‌های پیشین به‌نوبه خود سعی داشته‌اند تا تأثیرات محیط و معماری بر سبک زندگی ساکنان را موردسنجش قرار دهند، اما این تحقیقات به‌صورت کلی به مقوله سبک زندگی توجه کرده‌اند و به نظر می‌رسد جای خالی تحقیقاتی که تأثیرات محیط و معماری را بر هر یک از ابعاد سبک زندگی موردسنجش قرار دهند، احساس می‌شود. لذا در این پژوهش تلاش شده تا با شناسایی ابعاد مختلف سبک زندگی، ارتباط میان ابعاد سبک زندگی با قابلیت‌های فضاهای سکونتی موردسنجش قرار داده شود.

سبک زندگی در ارتباط با محیط

فرهنگ عبارت است از: ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. ارزش‌ها، آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند. فرهنگ به مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود؛ چگونگی لباس پوشیدن آن‌ها، الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت، همه را دربر می‌گیرد (گیدنز^۱، ۱۳۸۷: ۵۵-۵۶). اصطلاح «شیوه زندگی» یکی از جالب‌توجه‌ترین نمونه‌های بازتابندگی فرهنگ است. ویلیام سافایر^۲ (۱۹۹۷)، معتقد بود که این اصطلاح از نوشته‌های آلفرد آدلر^۳ (۱۹۲۹) سرچشمه گرفته است و پس از او در طی دهه ۱۹۶۰، ریشه‌گرایان و تقریباً در همان زمان، نویسندگان و طراحان آگهی‌های تجاری اصطلاح شیوه زندگی را دست‌مایه خود ساختند.

1. Giddens

2. William Safire (سرمقاله‌نویس نیویورک تایمز)

3. Alfred Adler

با این حال، دنیس‌رینگ^۱ (۱۳۴۹) بر این اعتقاد است که ریشه این اصطلاح را باید در آثار ماکس وبر (۱۳۸۷) جست‌وجو کرد: «اسلوب زندگی^۲»، که در ارتباط با stande آلمانی (به معنای موقعیت، مقام، حال یا وضعیت) به مفهومی که وبر آن را به کار می‌گرفت، احتمالاً در محاوره‌های جاری به صورت «شیوه زندگی^۳» درآمده است. شیوه زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد، چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد زیادی از امکان‌های موجود است و در عمل نه فقط از نسل گذشته «تحویل گرفته نمی‌شود»، بلکه «پذیرفته» می‌شود. شیوه‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره درمی‌آیند، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند، ولی این امور روزمره، در پرتو ماهیت متحرک هویت شخصی، به طرزی بازتابی در برابر تغییرات احتمالی باز و پذیرا هستند. همه انتخاب‌ها (و همچنین انتخاب‌های مهم و سرنوشت‌سازتر) تصمیم‌گیری‌هایی هستند که ما نه فقط درباره چگونه عمل کردن، بلکه درباره چگونه بودن خویش به مرحله اجرا می‌گذاریم. هرچه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، شیوه زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی‌اش و ساخت و همچنین با تجدید ساخت آن، سروکار خواهد داشت (گیدنز، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۲۱). به دلایل عملی، قشربندی بر اساس منزلت چنان با انحصاری کردن کالاها یا فرصت‌های مادی یا آرمانی همگام پیش می‌رود که ما لازم بودن آن‌ها را امری عادی تصور می‌کنیم. نقش تعیین‌کننده «سبک زندگی» در «حیثیت» منزلتی به این معناست که گروه‌های منزلتی حاملان ویژه «میتاق‌ها» هستند. هرگونه «سبک بخشیدن^۴» به زندگی، به هر شکلی که متجلی شود، یا از درون گروه‌های منزلتی منشأ می‌گیرد و یا به وسیله آن‌ها تداوم می‌یابد. حتی اگر از اصول میتاق‌های ناظر بر منزلت به شدت تفاوت کند، بازهم نشانه‌های نوعی خاصی را متجلی می‌سازند، به خصوص در میان قشرهایی که ممتازترند. به‌طور کلی، در میان گروه‌های منزلتی ممتاز، نوعی ارزش سلبی صلاحیت وجود دارد که مانع از انجام کار معمولی می‌شود؛ مثلاً برخلاف کار مجسمه‌سازی و سنگ‌تراشی در کارگاه پر گردوخاک، نقاشی در «استودیوی»

1. Denis Ring
 2. Style of life
 3. life-style
 4. Stylization

تمیز یا نواختن موسیقی از نظر این گروه‌ها قابل قبول است (ویر^۱، ۱۳۸۷: ۲۱۸-۲۱۹). تعداد الگوهای کلی شیوه زندگی البته بسیار کمتر از تعداد انتخاب‌های موجود در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک روزمره یا حتی درازمدت است. هر شیوه زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم‌وبیش منظم را نیز تأمین می‌کند. شخصی که خود را متعهد به شیوه زندگی معینی می‌داند، انتخاب‌های دیگر را لزوماً «خارج از موازین و معیارهای خویش» می‌بیند. همان‌طور که، آن‌هایی هم که با او در کنش متقابل قرار می‌گیرند، عین همین عقیده را دارند. افزون بر این، گزینش یا ایجاد شیوه‌های زندگی تحت تأثیر فشارهای گروه و مدل‌های رفتاری آن‌ها، و همچنین زیر نفوذ اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی، صورت می‌گیرد (همان: ۱۲۱-۱۲۲).

وییل^۲ (۱۹۹۳)، سبک زندگی را یک الگوی متمایز رفتار فردی و اجتماعی یک فرد یا گروه می‌داند. سبک زندگی بازتاب دامنه کامل ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌هاست. سبک زندگی ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادت‌های فردی در سراسر زندگی است که طی آن فرایندهای اجتماعی شدن به وجود آمده است (ایمانی و سبزیان، ۱۳۹۴). بوردیو^۳ سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند، بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان قشرهای گوناگون اجتماع **تمایز** ایجاد می‌کنند، می‌انگارد. سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً **منسجم** از کلیه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه همچون دارایی‌ها، الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، مصرف، فعالیت‌های فراغت و سرگرمی، پوشش و مدیریت بدن، نحوه غذا خوردن و چیدمان منزل و... است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌هاست (گیدنز^۴، ۱۳۸۲: ۱۲۱). سبک‌های زندگی می‌توانند تشخیص‌پذیر باشند یا اساساً به قصد ایجاد تشخیص سامان داده شوند. لذا سبک زندگی زائیده **انتخاب‌های مردم** در میان محدودیت‌های ساختاری است که آن‌ها فراگرفته است. براین اساس، اولاً تحلیل سبک زندگی تنها به بررسی الگوهای مصرف مادی محدود نمی‌شود. تحلیل سبک زندگی

1. Weber
2. Veal
3. Bourdieu
4. Giddens

پژوهشی است درباره زندگی اجتماعی آن چنان که در عمل تحقق می‌یابد و زندگی عناصری بیش از مصرف را نیز دربر دارد؛ ثانیاً پژوهش درباره سبک زندگی عرصه‌ای برای دنبال کردن مباحث دیرینه درباره ساختار و عاملیت و راهی برای تحلیل چگونگی تحقق یافتن زندگی واقعی و پیامدهای آنچه تحقق یافته است (برونسو^۱ و گرونرت^۲، ۲۰۰۴). سبک زندگی مجموعه عقاید، رفتار، هوی و هوس‌ها و شیوه‌های تبیین شرایط اجتماعی یا شخصی است که نوع خاص واکنش فرد را تعیین می‌کند (فاجینو^۳ و همکاران، ۲۰۰۳). جنبه‌های سبک زندگی از نظر وییل عبارتند از: فعالیت، رفتار، ارزش، نگرش و تعامل شخصی و گروهی که می‌تواند توسط اشخاص انتخاب شود (وییل^۴، ۱۹۹۳). سبک زندگی همان‌گونه که شامل الگوهای رفتارهای عینی و خارجی (فعالیت و رفتار) است، الگوهای رفتارهای درونی و ذهنی (ارزش‌ها و نگرش‌ها) را نیز دربر می‌گیرد. بنابراین سبک زندگی، هم عینی و هم ذهنی است. سبک زندگی تنها نوعی بیان یا نماد نیست؛ بلکه راه دستیابی به هدف و دارای اصالت است. به بیان دیگر، کارکرد سبک زندگی واقعی بوده و راهی برای رفع مشکلات و پیگیری اهداف است (جباران، ۱۳۹۴). از دیدگاه آدلر^۵، سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار دارند. سبک زندگی متکی بر آگاهی، گزینشگری و خلاقیت فرد با پذیرش تأثیر محیط فیزیکی و اجتماعی به‌عنوان بستر بروز است (مهدوی کنی، ۱۳۷۶). همچنین سبک زندگی، شیوه ثابتی است که انسان با کمک آن، اهداف زندگی را بیان می‌کند و مشکلات آن را از میان می‌برد. در مقابل وجه تحمیل‌شونده سبک زندگی در علوم اجتماعی، سبک زندگی در نظر روان‌شناسان دارای وجه خودبیانگری و تمایزآفرینی است؛ چون هر فرد، چیزهایی از نظام‌های گوناگون رفتاری را که می‌پسندد، کنار هم می‌چیند تا یکتایی گزینش خود و در نتیجه فردیت خود را به نمایش بگذارد و در نهایت، سبک زندگی، الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک جامعه یا گروه است که به صورت رفتارهای مشترک (تعامل) و انسجام بخش، ظاهر می‌شود (کاوایی، ۱۳۹۱: ۱۶). ابعاد سبک زندگی در جدول ۱، به صورت خلاصه آورده شده است.

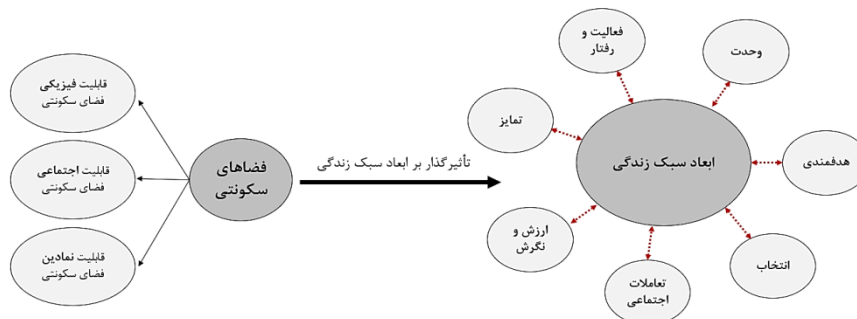
-
1. Brunso
 2. Grunert
 3. Fuchino
 4. Veal
 5. Adler

جدول ۱. ابعاد سبک زندگی

منابع	ابعاد سبک زندگی	
(باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴).	سبک زندگی ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادت‌های فردی هستند که باعث شکل‌گیری فرایندهای اجتماعی می‌شوند.	فعالیت‌ها و رفتارها
(ایونس ^۱ و جکسون ^۲ ، ۲۰۰۷)	انواع پدیده‌های ذهنی شامل بینش‌ها، ادراکات، اعتقادات، جهان‌بینی، گرایش‌ها، ارزش‌ها، ترجیحات، اراده و خواسته‌ها، علاقه‌مندی‌ها، دین، سلیقه، احساسات و هوی و هوس هستند.	ارزش‌ها و نگرش‌ها
(شریفی، ۱۳۹۱: ۵۳). (گیدنز ^۳ ، ۱۳۸۷: ۲۵۰).	تعامل فردی یا گروهی در سبک زندگی، راهی برای رسیدن به اهداف فردی یا گروهی است.	تعامل
(وییل ^۴ ، ۱۹۹۳: ۲۴۳-۴)	-سبک زندگی دارای انسجام و وحدت (مجموعه‌ای از عادت‌ها و رفتارها) است. -ذائقه‌های مشابه، سبک‌های زندگی مشابه ایجاد می‌کنند که باعث وحدت میان گروهی می‌شود.	انسجام بخشی (وحدت)
(فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۱). (پیترسون ^۵ ، ۱۹۸۳: ۴۲۶) (زبلوکی ^۶ و کنتز ^۷ ، ۱۹۷۶)	سبک زندگی پدیده‌ای متکی بر آگاهی و انتخاب‌گری که محدود به برخی ویژگی‌های محیطی است و از یک طرف، موجب تفاوت بین گروهی می‌شود و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر، موجب انسجام بخشیدن درون گروهی می‌شود.	انتخابی و گزینشی بودن
(کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۹).	سبک زندگی راهی برای رسیدن به هدف‌ها است.	هدفمندی
(لوو ^۸ و میگل ^۹ ، ۱۹۹۰: ۲۶) (استینز ^{۱۰} ، ۱۹۹۷: ۳۵۰) (بورديو ^{۱۱} ، ۱۹۸۴: ۱۶۶)	- وجه خودبیانگری و تمایزآفرینی و درنهایت جنبه نمادین و نمایشی داشتن سبک زندگی (بیانگر نماد و نمایشگر محتوا بودن). -گاهی نمادها حامل معانی هستند، مثلاً بورديو سبک زندگی را نماد نظام قشربندی اجتماعی یا طبقه می‌داند. -گاهی نمادها علائمی هستند که در حالت ایدئال باید واقعیتی فراتر از خود را بازتاب کنند.	نمادین بودن (تمایزآفرینی)

1. Evanse
2. Jackson
3. Giddens
4. Veal
5. Peterson
6. Zablocki
7. Kanter
8. Loov
9. Miegel
10. Stebbins
11. Bourdieu

از عوامل تأثیرگذار بر سبک و شیوه زندگی انسان، محیطی است که فرد در آن حضور دارد. انسان در هر محیطی به دنبال بهره‌گیری حداکثری از پتانسیل‌های موجود آن محیط به‌منظور پاسخ به انواع متعدد نیازهای فردی و اجتماعی خود بوده و سعی می‌کند محیط اطراف خود را هم‌راستا با ساحت‌های وجودی خویش به‌منظور مطلوب‌تر کردن زندگی، تغییر دهد. برای درک سبک زندگی، نیاز است تا ارتباط میان انسان و فضاهای سکونتی تحلیل شود. در این راستا، محیط قابلیت‌ها و پتانسیل‌هایی را در اختیار انسان قرار می‌دهد که در سه دسته هستند: الف) قابلیت فیزیکی محیط (قابلیت‌هایی که مردم نیاز دارند تا به‌گونه‌ای فیزیکی با محیط تعامل پیدا کنند)؛ ب) قابلیت اجتماعی محیط (قابلیت‌هایی که مردم به‌منظور ارتباطات و تعاملات اجتماعی و ارتباط میان فردی بدان نیازمندند)؛ ج) قابلیت نمادین محیط (قابلیت‌هایی که مردم برای ارضای خواهش‌ها و تعاملات نمادین، سمبولیک و رمزگونه به همراه ویژگی‌های فرهنگی و روحانی از محیط انتظار دارند) (مطلبی^۱، ۱۹۹۸: ۱۰۰). این قابلیت‌های فضاهای سکونتی می‌توانند بر ابعاد سبک زندگی (جدول ۱) تأثیرگذار باشند که در نمودار ۱ مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سبک زندگی به‌صورت خلاصه آورده شده است.



نمودار ۱. الگوی مفهومی تحقیق (مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سبک زندگی).

مأخذ: نگارندگان

با استناد به مدل مفهومی تحقیق (نمودار ۱)، به‌عنوان فرضیه‌های تحقیق، فضاهای سکونتی به کمک انواع قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها شامل: قابلیت فیزیکی، قابلیت اجتماعی و قابلیت نمادین فضاهای سکونتی، می‌توانند بر سبک و شیوه زندگی ساکنان خود که شامل ابعاد فعالیت و رفتار، وحدت، هدفمندی، انتخاب، تعاملات اجتماعی، ارزش و نگرش و تمایز است، تأثیرگذار باشند.

روش‌شناسی

الف) نمونه مورد مطالعه

در راستای هدف مورد پژوهی تحقیق که ارزیابی مؤلفه‌های محیطی (قابلیت‌های فضاهای سکونتی) تأثیرگذار بر سبک و شیوه زندگی انسانی است؛ از میان محله‌های شهر تبریز، محله نوبر به‌عنوان محله سنتی و محله گلشهر و پرواز، به‌عنوان محله معاصر انتخاب شدند. برای انتخاب این مورد پژوهی‌ها، معیارهایی در نظر گرفته شد که عبارتند از: الف) انتخاب یک محله (محله نوبر) از بین محله‌های سنتی شهر تبریز و محله (گلشهر و پرواز) از بین محله‌های معاصر شهر تبریز به‌عنوان مورد پژوهی برای به‌حداقل رساندن متغیرهای فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سبک و شیوه زندگی انسانی. ب) محله نوبر جزء نادر محله‌هایی است که همواره اصالت خود را حفظ کرده است و به نظر می‌رسد ساکنین قدیمی محله باوجود نوسازی‌ها و تغییر بافت محله، همچنان سبک و شیوه زندگی خود را حفظ کرده‌اند. ج) محله گلشهر و پرواز، ازجمله محله‌های معاصر است که پتانسیل‌های زیادی از نظر زندگی شهرنشینی را در خود دارد. وجود مسجد محله، پارک محله، مرکز محله و ... قابلیت‌های محیطی مناسب زیستن را برای ساکنان محل مهیا ساخته است.

ب) فرایند مطالعه

به‌منظور تعیین حجم جامعه آماری، ابتدا پیش‌آزمون به‌عنوان پایلوت بین ۴۰ نفر از ساکنان هر دو محله، انجام گرفت و با برآورد واریانس نمونه اولیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه برابر با ۲۰۰ نفر برای هر محله به‌دست آمد. به‌این‌ترتیب، ۲۰۰ عدد پرسشنامه در هر محله، در دو بخش (بخش اول، شامل مشخصات آماری پرسش‌شوندگان و بخش دوم، به‌صورت چک‌لیستی متشکل از ۷ سؤال، بر اساس طیف لیکرت در ۵ سطح، موردسنجش قرار گرفت. سؤالات به ارتباط میان ابعاد سبک زندگی با قابلیت‌های فضاهای سکونتی اشاره داشت. به‌این‌صورت که میزان ارتباط هرکدام از ابعاد هفتگانه (فعالیت، وحدت، هدفمندی، انتخاب، تعامل، ارزش و تمایز) در هرکدام از قابلیت‌های فیزیکی (ویژگی‌های ظاهری نظیر فرم، تناسبات، توجه به حدّ همسایه، حفظ حریمیت، کنترل دیدها و حریم‌ها)، قابلیت‌های اجتماعی (توجه به تعاملات و ارتباطات انسانی نظیر برگزاری گل‌ریزان و امور خیریه، برگزاری مراسم

اجتماعی) و قابلیت‌های نمادین (داشتن معانی ذهنی نظیر دسترسی و دید به یادمان‌ها و فضاهای یادآور آموزه‌های اخلاقی) به صورت جداگانه در دو سطح محله و خانه مورد سنجش قرار گرفت. الگوی عملیاتی تحقیق در جدول ۲، آورده شده است.

جدول ۲. تعاریف عملیاتی مفاهیم الگوی مفهومی تحقیق

تعریف عملیاتی	گویه‌ها	متغیرها
ویژگی‌های ظاهری نظیر فرم، تناسب، رنگ، حفظ حریمیت، حده همسایه، کنترل دیدها، حریم‌ها و هرآنچه که مربوط به ظاهر محیط است.	قابلیت فیزیکی	قابلیت‌های فضاهای سکونتی
تعاملات اجتماعی و ارتباطات انسانی نظیر برگزاری مولودی‌ها، گل‌ریزان‌ها، مراسم دینی و آئینی در فضاهای سکونتی.	قابلیت اجتماعی	
ویژگی‌های نمادین و معانی ذهنی نظیر دسترسی و دید به یادمان‌ها و فضاهای یادآور معانی خاص در ذهن ساکنان.	قابلیت نمادین	
هرگونه فعالیت‌های فردی و اجتماعی ساکنان فضاهای سکونتی.	فعالیت و رفتار	ابعاد سبک زندگی
وحدت و همبستگی ساکنان فضاهای سکونتی در انجام فعالیت‌های مشترک.	وحدت	
اهداف مشترک نظیر برگزاری مولودی‌ها و عزاداری‌ها، برقراری تعاملات اجتماعی، حفظ حریم‌های شخصی ساکنان فضاهای سکونتی به منظور تسهیل شرایط زندگی.	هدفمندی	
اهمیت و توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های فردی و گروهی ساکنان.	ارزش و نگرش	
میزان آزادی عمل و انتخاب در مسائل فردی و اجتماعی در زندگی ساکنان.	انتخاب	
سطح تعاملات و روابط اجتماعی در فضاهای سکونتی.	تعاملات اجتماعی	
میزان توجه و عمل به مسائل فردی و گروهی متمایز از عامه جامعه.	تمایز یا نماد	

مأخذ: نگارندگان

ج) نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

در مرحله تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، به منظور ارزیابی نهایی الگوی عملیاتی تحقیق از روش چندمتغیره «الگوسازی معادله‌های ساختاری» استفاده شده است، که به صورتی ترکیبی، از تحلیل عامل و تحلیل مسیر بهره می‌گیرد. نرم‌افزار مورد استفاده برای محاسبه «الگوسازی معادله‌های ساختاری» در این تحقیق نرم‌افزار ای.کیو.اس^۱ است که ترکیبی از تحلیل مسیر، الگوسازی علی با متغیرهای پنهان و رگرسیون‌های چندگانه را مورد استفاده قرار می‌دهد. برای

1. EQS 6.1

ارزیابی با نرم‌افزار ابتدا آماده‌سازی داده‌ها به کمک برنامه اس.پی.اس.اس انجام شد و تدوین، تشخیص، برآورد، آزمون، اصلاح و اعتبارسنجی نهایی الگوهای نظری به وسیله آموس انجام گرفت. اولین آزمون روایی تحلیل عاملی، آزمون کی.ام.او یا سطح معناداری بارتلت است. زمانی که مقدار کی.ام.او بزرگ‌تر از ۰,۶ باشد به راحتی می‌توان تحلیل عاملی را اجرا کرد. هرچه این مقدار بیشتر باشد مناسب و کفایت نمونه‌برداری بیشتر خواهد بود. در این پژوهش این ضریب ۰,۸۴۱ است. به منظور تأیید اعتبار نتایج از شاخص‌های برازش مناسب الگو شامل: نیکویی برازش، نیکویی برازش اصلاح‌شده، شاخص برازش تطبیقی، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد و مجذور خی استفاده شده است. برای تأیید اعتبار نتایج از شاخص‌های مرتب‌شده در جدول ۳، استفاده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های مدل نظری قبل از غربالگری

مجله/سطح	شاخص‌ها	آلفای کرونباخ پیش آزمون	آلفای کرونباخ	سطح معناداری: بارتلت (کی.ام.او)	نیکویی برازش (GFI)	نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)	نیکویی برازش تطبیقی (CFI)	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	مجدور خی بر درجه آزادی (CHI/DF)	نمبر	
										خانه	مجله
		۰,۸۱	۰,۸۵۵	۰,۸۳۰	۰,۸۷۱	۰,۸۲۲	۰,۸۶۱	۰,۰۷۲	۲,۰۳	خانه	نمبر
		۰,۹۱۵	۰,۸۶۶	۰,۸۴۱	۰,۸۶۳	۰,۸۱۰	۰,۸۳۹	۰,۰۷۷	۲,۰۳	مجله	نمبر
		۰,۹۰۳	۰,۸۴۹	۰,۸۴۵	۰,۸۷۸	۰,۸۳۱	۰,۸۴۱	۰,۰۶۷	۱,۹	خانه	گلشهر و پرواز
		۰,۸۶۲	۰,۸۵۵	۰,۸۲۶	۰,۸۴۷	۰,۷۸۸	۰,۷۷۹	۰,۰۹۶	۲,۴۰	مجله	و پرواز

باتوجه به نتایج تحلیل عاملی تأییدی و شاخص‌های ارزیابی، الگوهای اندازه‌گیری از برازش قابل‌قبولی برخوردار است. پس از انجام تحلیل‌های کمی، این اطلاعات مستخرج از پرسشنامه‌ها به صورت کیفی نیز واکاوی شد.

یافته‌های تحقیق

پس از استخراج داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه، در این بخش، به گزارش این اطلاعات، به دو صورت توصیفی و استنباطی در دو سطح مجله و خانه به صورت مجزا، پرداخته شده است.

فراوانی ساکنان پاسخ‌دهنده از نظر جنسیت در دو محله سنتی و معاصر، مطابق یافته‌های جدول ۴ است.

جدول ۴. فراوانی ساکنان پاسخ‌دهنده به پرسشنامه‌ها در محله‌های سنتی و معاصر از نظر جنسیت

محله معاصر			محله سنتی		
درصد از کل	تعداد	جنسیت	درصد از کل	تعداد	جنسیت
۶۸,۵٪	۱۳۷ نفر	مرد	۶۴,۵٪	۱۲۹ نفر	مرد
۳۰,۵٪	۶۱ نفر	زن	۳۵,۵٪	۷۱ نفر	زن
۱٪	۲ نفر	نامشخص	—	—	نامشخص
۱۰۰٪	۲۰۰ نفر	کل	۱۰۰٪	۲۰۰ نفر	کل

مأخذ: نگارندگان

فراوانی ساکنان پاسخ‌دهنده از نظر میزان تحصیلات در دو محله سنتی و معاصر، مطابق یافته‌های جدول ۵ است.

جدول ۵. فراوانی ساکنان پاسخ‌دهنده به پرسشنامه‌ها در محله‌های سنتی و معاصر از نظر میزان تحصیلات

محله معاصر			محله سنتی		
درصد از کل	تعداد	میزان تحصیلات	درصد از کل	تعداد	میزان تحصیلات
۱۱,۵٪	۲۳ نفر	زیر دیپلم	۱۰,۵٪	۲۱ نفر	زیر دیپلم
۵۲٪	۱۰۴ نفر	دیپلم	۳۶,۵٪	۷۳ نفر	دیپلم
۲۴,۵٪	۴۹ نفر	لیسانس	۳۱٪	۶۲ نفر	لیسانس
۸,۵٪	۱۷ نفر	فوق‌لیسانس	۱۲٪	۶۴ نفر	فوق‌لیسانس
۱٪	۲ نفر	دکتری و بالاتر	۱٪	۲ نفر	دکتری و بالاتر
۵٪	۵ نفر	نامشخص	۹٪	۱۸ نفر	نامشخص
۱۰۰٪	۲۰۰ نفر	کل	۱۰۰٪	۲۰۰ نفر	کل

مأخذ: نگارندگان

• سطح محله

مطابق یافته‌های جدول ۶، در سطح محله؛ در حالت کلی، تأثیرگذاری قابلیت‌های فضاهاى سکونتی بر ابعاد سبک زندگی در محله معاصر (۰,۸۴) و بیشتر از محله سنتی (۰,۷۹) است.

در محله سنتی؛ مطابق نمودار ۲، میزان تأثیر قابلیت‌های محیط بر رشد و تقویت ابعاد سبک زندگی (۰,۷۹) است. در این بین، تأثیرگذارترین قابلیت محیط بر ابعاد سبک زندگی، قابلیت فیزیکی محیط (۰,۷۸) است و پس از آن قابلیت نمادین محیط (۰,۷۶) است، و در نهایت قابلیت اجتماعی محیط (۰,۵۴)، کمترین تأثیر را بر ابعاد سبک زندگی دارد. در قابلیت فیزیکی محیط، از میان ابعاد سبک زندگی، بُعد تعامل (۰,۷۶) دارای بیشترین تأثیر بوده است و در قابلیت نمادین محیط، ابعاد تعامل (۰,۷۲) و ارزش و نگرش (۰,۷۲)، بیشترین تأثیر را داشته‌اند و در قابلیت اجتماعی محیط، بُعد ارزش و نگرش (۰,۷۵)، بیشترین تأثیر را داشته است، که به نظر می‌رسد دلیل آن این است که قابلیت‌های فیزیکی همچون وجود فضاهای جمعی، مرکز محله، مساجد و حسینیه‌ها در محله نوبر زمینه برقراری تعاملات اجتماعی را برای ساکنان مهیا ساخته است. این یافته مطابق با یافته‌های پارسی (۱۳۸۱) است که معتقد است تعامل اجتماعی و مشارکت مردمی را می‌توان عنصر اصلی و اساسی محتوای فضای شهری برشمرد که روابط انسانی و فعالیت‌های شهری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. و یافته‌های سیفالهی فخر و همکاران، (۱۳۹۲) در این زمینه حکایت از این دارد که پیاده‌محوری از جمله راه‌هایی است که می‌تواند در تجدید حیات مدنی مراکز شهری مؤثر باشد و از طریق افزایش زمینه حضور شهروندان در مکان‌های جمعی، تعاملات و همبستگی اجتماعی را بیشتر می‌کند. یافته‌های تحقیق حبیبی (۱۳۸۱) حاکی از این است که خلق نشانه‌ها و نمادهای شهری در سطح محله، در نقاط مکث، مرکز اصلی، مراکز فرعی، میدان‌ها و یا امتداد محورهای پیاده و سواره به کنش متقابل بین ساکنان می‌انجامد. تحقیق سیاف‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) این مطلب را بیان می‌کند که افزایش کیفیت فضاهای شهری و طراحی مناسب منظر شهری شاید بتواند زمینه حضور ساکنان را در سطح شهر فراهم کند و شهروندان در این فضاها حضور یابند که در نتیجه سرزندگی و نشاط ناشی از حضور شهروندان در رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه و احساس هویت شهروندی و مکانی مؤثر خواهد بود. بنابراین منظر شهری می‌تواند به‌عنوان عامل مهم در حیات اجتماعی شهرها بررسی شود. نتایج تحقیق آزاد و پرتوی (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که هرچه تعین فضایی بیشتر باشد، تصویر ذهنی قوی‌تر از فضا در ذهن نقش بسته و یادآوری خاطره بیشتر به مکان متکی خواهد بود که نتیجه آن ایجاد تعاملات اجتماعی است.

در محله معاصر؛ مطابق نمودار ۲، میزان تأثیر قابلیت‌های محیط بر رشد و تقویت ابعاد سبک زندگی (۰,۸۴) است. در این بین، تأثیرگذارترین قابلیت محیط بر ابعاد سبک زندگی، قابلیت اجتماعی محیط (۰,۸۸) و پس از آن قابلیت نمادین محیط (۰,۷۶) است. در نهایت قابلیت فیزیکی محیط (۰,۶۳)، کمترین تأثیر را بر ابعاد سبک زندگی دارد. در قابلیت اجتماعی محیط، از میان ابعاد سبک زندگی، بُعد وحدت (۰,۷۴)، دارای بیشترین تأثیر بوده است. در قابلیت نمادین محیط، بُعد وحدت (۰,۷۲) بیشترین تأثیر و در قابلیت فیزیکی محیط، بُعد وحدت (۰,۷۳)، بیشترین تأثیر را داشته است که دلیل آن این است که در محله معاصر (گلشهر و پرواز) قابلیت‌های اجتماعی نظیر وجود پارک پلیس و فضاهای جمعی باعث حضور افراد محله و وحدت جمعی ساکنان، در انجام فعالیت‌ها شده است. این یافته با یافته‌های اصغرزاده‌یزدی (۱۳۸۹) منطبق است که معتقد است در نوشهرگرایی، با تأکید بر تأثیر مطلوبیت کیفیت‌های محیطی بر افزایش تمایل به پیاده‌روی در محله و در نتیجه افزایش میزان ارتباطات چهره‌به‌چهره، انتظار می‌رود که همبستگی اجتماعی تقویت شود. همچنین تأیید کننده یافته‌های نواداد (۱۳۹۳) است که نبود فضاهای جمعی متناسب با نیاز امروز ساکنان را عامل کاهش تعاملات اجتماعی و ارتباطات چهره‌به‌چهره در میان آن‌ها می‌داند. تا جایی که ساکنان را نسبت به یکدیگر بیگانه می‌سازد. در یافته‌های قنبران و جعفری (۱۳۹۳)، این نتیجه حاصل شده است که بهبود کیفیت محیطی و فضای کالبدی محله، به گونه‌ای که شرایط را برای افزایش تعاملات اجتماعی در آن فراهم آورد، می‌تواند رنگ تعلق، حس هویت، حس اعتماد و در نتیجه آن، همبستگی اجتماعی را در میان ساکنان تقویت کنند و منطبق با یافته‌های ربانی خوراسگانی و همکاران (۱۳۸۸) است که همبستگی اجتماعی را دارای مؤلفه‌های متعددی می‌داند که مؤثرترین آن‌ها، وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها به نوعی بر روابط افراد یک محله مؤثر و عاملی برای ارتقای تعاملات و روابط چهره‌به‌چهره هستند. بوردیو^۱، کولمن^۲، پاتنام^۳ و فوکویاما^۴ نیز همبستگی اجتماعی (وحدت) را به کیفیت روابط اجتماعی متقابل میان اعضای جامعه محلی وابسته می‌دانند و در واقع این نوع از همبستگی یکی از منابعی است که از طریق روابط اجتماعی شناخته می‌شود (عبداللهی و همکاران،

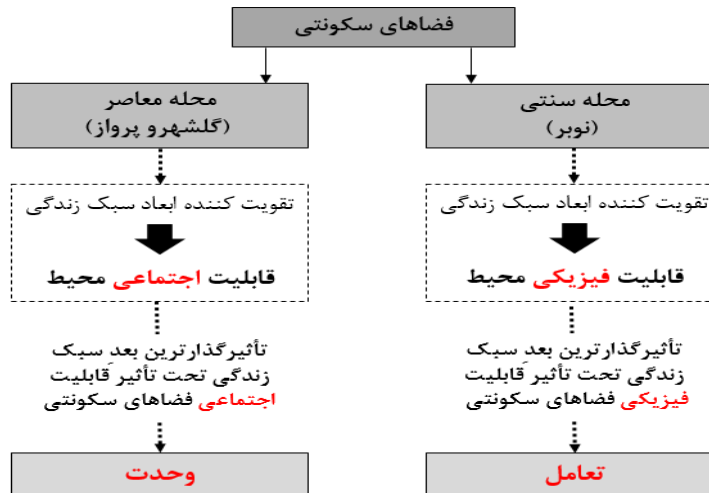
1. Bourdieu
2. Coleman
3. Putnam
4. Fukuyama

۱۳۸۹؛ که هم‌سو با یافته‌های اخترمحققی (۱۳۸۵) است که محله، بستر مناسبی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی و همچنین ایجاد ارتباط با خودِ مکان است که هر دوی این روابط برای ایجاد همبستگی اجتماعی مهم هستند.

جدول ۶. تأثیر قابلیت‌های فضاهای سکونتی بر ابعاد سبک زندگی در محله‌های سنتی و معاصر در سطح محله

محله معاصر در سطح محله				محله سنتی در سطح محله					
بار عاملی	ابعاد سبک زندگی	بار عاملی	قابلیت‌های فضای سکونتی	بار عاملی	بار عاملی	ابعاد سبک زندگی	بار عاملی	قابلیت‌های فضای سکونتی	بار عاملی
۰,۵۲	فعالیت	۰,۶۳	قابلیت فیزیکی	۰,۸۴	۰,۵۵	فعالیت	۰,۷۸	قابلیت فیزیکی	۰,۷۹
۰,۷۳	وحدت				۰,۶۴	وحدت			
۰,۶۷	هدف				۰,۶۱	هدف			
۰,۴۵	انتخاب				۰,۵۱	انتخاب			
۰,۵۵	تعامل				۰,۷۶	تعامل			
۰,۴۶	ارزش				۰,۷۵	ارزش			
۰,۳۴	تمایز				۰,۵۴	تمایز			
۰,۵۶	فعالیت	0,88	قابلیت اجتماعی		۰,۵۶	فعالیت	۰,۵۴	قابلیت اجتماعی	
۰,۷۴	وحدت				۰,۶۶	وحدت			
۰,۶۱	هدف				۰,۶۱	هدف			
۰,۴۰	انتخاب				۰,۵۰	انتخاب			
۰,۵۸	تعامل				۰,۷۴	تعامل			
۰,۴۶	ارزش				۰,۷۵	ارزش			
۰,۳۴	تمایز				۰,۵۵	تمایز			
۰,۵۸	فعالیت	۰,۷۶	قابلیت نمادین	۰,۵۹	فعالیت	۰,۷۶	قابلیت نمادین		
۰,۷۲	وحدت			۰,۶۸	وحدت				
۰,۶۰	هدف			۰,۶۳	هدف				
۰,۴۵	انتخاب			۰,۴۹	انتخاب				
۰,۵۶	تعامل			۰,۷۲	تعامل				
۰,۴۹	ارزش			۰,۷۲	ارزش				
۰,۳۴	تمایز			۰,۵۴	تمایز				

مأخذ: نگارندگان



نمودار ۲. ارتباط میان قابلیت‌های فضاهای سکونتی و ابعاد سبک زندگی در دو محله سنتی (نوبر) و معاصر (گلشهر و پرواز) - سطح محله.

مأخذ: نگارندگان

• سطح خانه

مطابق یافته‌های جدول ۷، در سطح خانه؛ در حالت کلی، تأثیرگذاری قابلیت‌های فضاهای سکونتی بر ابعاد سبک زندگی در محله معاصر (۰,۶۸) و بیشتر از محله سنتی (۰,۶۰) است. در محله سنتی؛ مطابق نمودار ۳، میزان تأثیر قابلیت‌های محیط بر رشد و تقویت ابعاد سبک زندگی (۰,۶۰) است. در این بین، تأثیرگذارترین قابلیت محیط بر ابعاد سبک زندگی، قابلیت نمادین محیط (۰,۶۲) و پس از آن قابلیت فیزیکی محیط (۰,۵۳) است. در نهایت قابلیت اجتماعی محیط (۰,۴۱)، کمترین تأثیر را بر ابعاد سبک زندگی دارد. در قابلیت نمادین محیط، از میان ابعاد سبک زندگی، بُعد تعامل (۰,۷۳)، دارای بیشترین تأثیر بوده است و در قابلیت فیزیکی محیط، ابعاد تعامل (۰,۷۶) و ارزش و نگرش (۰,۷۶)، بیشترین تأثیر را داشته‌اند. در قابلیت اجتماعی محیط، بُعد ارزش و نگرش (۰,۷۵)، بیشترین تأثیر را داشته است که به نظر می‌رسد، دلیل آن این است که اکثر خانواده‌های محله سنتی (نوبر) را ساکنینی تشکیل داده‌اند که سال‌های سال در آن محله زندگی کرده‌اند و اکثراً افرادی با میانگین سنی بالا و مشغله کمتر هستند. در نتیجه، وقت بیشتری را در خانه و در کنار اعضای خانواده خود سپری می‌کنند و خانواده و تعاملات

اجتماعی با یکدیگر، تبدیل به یک ارزش برای تک‌تک اعضای خانواده شده است. این یافته در مورد بُعد تعامل، مطابق با تحقیق راپوپورت^۱ (۱۹۶۹) است که معتقد است شکل خانه، سازمان و تقسیمات فضایی آن، قبل از آنکه توسط اقلیم و مصالح و فناوری تعیین شود، با درک انسان از جهان و فرهنگ وی شامل اعتقادات مذهبی، ساختار قبیله و خانواده، سازمان اجتماعی، روش زندگی و شیوه ارتباطات اجتماعی افراد نسبت دارد. از نظر چرمایف^۲ و الکساندر^۳ (۱۳۹۳)، خانه باید مرزی محکم و استوار میان فرد و دنیای بیرون او ایجاد کند و طراحی داخلی آن طوری باشد که هم رابطه متعادل اعضای خانواده با طبیعت بیرون میسر باشد و هم تعامل افراد در داخل خانه تأمین شود.

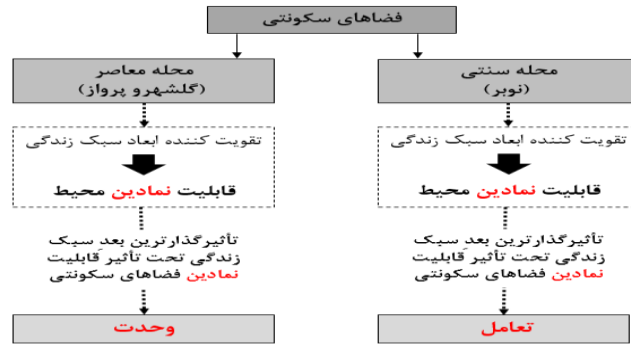
در محله معاصر؛ مطابق نمودار ۳، میزان تأثیر قابلیت‌های محیط بر رشد و تقویت ابعاد سبک زندگی (۰,۶۸) است. در این بین، تأثیرگذارترین قابلیت محیط بر ابعاد سبک زندگی، قابلیت نمادین محیط (۰,۷۱) و پس از آن قابلیت اجتماعی محیط (۰,۶۹) است. در نهایت قابلیت فیزیکی محیط (۰,۵۷)، کمترین تأثیر را بر ابعاد سبک زندگی دارد. در قابلیت نمادین محیط، از میان ابعاد سبک زندگی، بُعد وحدت (۰,۷۰)، دارای بیشترین تأثیر بوده است. در قابلیت اجتماعی محیط، بُعد وحدت (۰,۷۲) و در قابلیت فیزیکی محیط، بُعد وحدت (۰,۶۹)، بیشترین تأثیر را داشته است، که با استناد به نظرات ساکنان این محله، به نظر می‌رسد وحدت و همبستگی اعضای خانواده در انجام فعالیت‌ها بسیار زیاد است که مطابق با تحقیق کرمی و محمدحسینی (۱۳۹۷) ایجاد فضاهای دعوت‌کننده متناسب با اقلیم و قابلیت‌های سایت و با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و بافت اجتماعی و اقتصادی موجب ایجاد مشارکت مردمی فعال و غیرفعال و تقویت حیات جمعی می‌شود و در تحقیق دانشپور^۴ و چرخ‌چیان^۵ (۲۰۰۷) یکی از مراحل فرایند اجتماع‌پذیری در درون فضاها را «تداوم حضور اجتماعی فعال در فضا» می‌داند.

1. Rapoport
2. Chermayef
3. Alexander
4. Daneshpour
5. Charkhchian

جدول ۷. تأثیر قابلیت‌های فضاهای سکونتی بر ابعاد سبک زندگی در محله‌های سنتی و معاصر در سطح خانه

محله معاصر در سطح خانه				محله سنتی در سطح خانه						
بار عاملی	ابعاد سبک زندگی	بار عاملی	قابلیت‌های فضای سکونتی	بار عاملی	ابعاد سبک زندگی	بار عاملی	قابلیت‌های فضای سکونتی	بار عاملی		
۰,۵۴	فعالیت	۰,۵۷	قابلیت فیزیکی	۰,۶۸	۰,۵۵	۰,۵۳	قابلیت فیزیکی	۰,۶۰		
۰,۶۹	وحدت				۰,۶۴				وحدت	
۰,۶۳	هدف				۰,۶۰				هدف	
۰,۴۷	انتخاب				۰,۵۰				انتخاب	
۰,۵۵	تعامل				۰,۷۶				تعامل	
۰,۴۹	ارزش				۰,۷۶				ارزش	
۰,۳۶	تمایز				۰,۵۱				تمایز	
۰,۵۵	فعالیت	۰,۶۹	قابلیت اجتماعی		۰,۵۷	۰,۴۱	قابلیت اجتماعی		۰,۶۰	
۰,۷۲	وحدت				۰,۶۶					وحدت
۰,۶۳	هدف				۰,۶۲					هدف
۰,۴۴	انتخاب				۰,۴۹					انتخاب
۰,۵۴	تعامل				۰,۷۴					تعامل
۰,۴۸	ارزش				۰,۷۵					ارزش
۰,۳۶	تمایز				۰,۵۱					تمایز
۰,۵۷	فعالیت	۰,۷۱	قابلیت نمادین	۰,۵۸	۰,۶۲	قابلیت نمادین	۰,۶۰			
۰,۷۰	وحدت			۰,۶۸				وحدت		
۰,۶۱	هدف			۰,۶۵				هدف		
۰,۴۵	انتخاب			۰,۴۹				انتخاب		
۰,۵۴	تعامل			۰,۷۳				تعامل		
۰,۴۹	ارزش			۰,۷۲				ارزش		
۰,۳۷	تمایز			۰,۵۱				تمایز		

مأخذ: نگارندگان



نمودار ۳. ارتباط میان قابلیت‌های فضاهای سکونتی و ابعاد سبک زندگی در دو محله سنتی (نوبر) و معاصر (گلشهر و پرواز) - سطح خانه.

مأخذ: نگارندگان

بحث و نتیجه‌گیری

فضاهای سکونتی به واسطه قابلیت‌ها و پتانسیل‌های محیطی برای تأمین بعضی از رفتارها قابلیت بیشتری دارند و برای برخی، از قابلیت کمتری برخوردار هستند. درحالی‌که بخشی از قابلیت‌های فضاهای سکونتی جنبه فیزیکی و فیزیولوژیکی دارند، بخشی دیگر از قابلیت‌ها تحت تأثیر عامل‌های فرهنگی و اجتماعی هستند، که می‌تواند بر سبک و شیوه زندگی ساکنان خود تأثیر زیادی داشته باشد. در پاسخ به سؤال تحقیق، می‌توان این‌چنین بیان کرد که هر فضای سکونتی با توجه به قابلیت‌های محیطی که در سه دسته قابلیت فیزیکی، قابلیت اجتماعی و قابلیت نمادین محیطی خلاصه می‌شوند، می‌تواند با ابعاد مختلف انسان‌ها ارتباط برقرار کنند و باعث تقویت ابعاد مختلف سبک زندگی شوند که شامل: فعالیت، وحدت، هدفمندی، انتخاب، تعامل، ارزش، نگرش و تمایز هستند. یافته‌های تحقیق هر دو محله سنتی و معاصر در وهله اول، گواه تأثیرگذاری قابلیت‌های محیطی فضاهای سکونتی، بر ابعاد مختلف سبک زندگی انسان است، اما با تحلیل نتایج آماری، به نظر می‌رسد، سبک زندگی در محله معاصر در هر دو سطح محله و خانه، تأثیرپذیری بیشتری از قابلیت‌های محیط داشته‌اند و به بیان دیگر، سبک زندگی ساکنان محله معاصر نسبت به محله سنتی، بیشتر تحت تأثیر قابلیت‌های محیط قرار گرفته است. دلیل آن می‌تواند این باشد که ساکنان محله‌های سنتی فضای فکری متفاوت‌تری نسبت به تمرکز بر عوالم درونی و بایدها و نبایدهای سبک زندگی مطلوب دارند، ولی در مقابل، تغییرات صورت گرفته

در فرهنگ و کیفیت زندگی جامعه معاصر باعث شده است تا امروزه مفاهیمی چون خانه و شیوه زندگی، معانی متفاوتی نسبت به قبل، به خود بگیرند که علاوه بر تغییرات کالبدی در فضاها، سکونت، باعث تغییر در تفکر و ذهنیت ساکنان شده است. لذا این فضای فکری متفاوت جامعه مدرن که بیشتر در محله‌های معاصر دیده می‌شود باعث شده که تأثیرپذیری از عوالم بیرونی نسبت به عوالم درونی بیشتر باشد و ساکنان فضاها، سکونت معاصر بیشتر از قابلیت‌های محیطی بر ابعاد سبک زندگی خود متأثر شوند.

با پذیرش این نکته که محیط به واسطه قابلیت‌های خود، می‌تواند اثرات قابل توجهی بر سبک و شیوه زندگی انسان‌ها داشته باشد، امید است در تحقیقات آتی در خصوص ارائه راهکارهای طراحی معماری و شهرسازی، به منظور بهره‌گیری حداکثری از انواع پتانسیل‌های محیط، در راستای تحقق ابعاد مختلف سبک زندگی گام برداشت.

پیشنهادهای مقاله حاضر برای تحقیقات آتی به شرح زیر است:

- شناسایی انواع مختلف قابلیت‌های محیط تأثیرگذار بر سبک زندگی انسان.
- شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های ساکنان محله‌های سستی و معاصر در برقراری ارتباط با قابلیت‌های مکانی در راستای تقویت ابعاد سبک زندگی.
- شناسایی گونه‌های مکانی و محیطی تأثیرگذار بر ساکنان فضاها، سکونت.
- شناسایی انتظارات، خواسته‌ها و نیازهای ساکنان فضاها، سکونت از محل سکونت (در دو سطح خانه و محله).

منابع

- ابراهیمی، غلامرضا؛ سلطان‌زاده، حسین و کرامتی، غزال (۱۳۹۶). بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان. *باغ نظر*. دوره ۱۴، شماره ۴۷: ۳۸-۲۹.
- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی*. مهدی اختر محقق، تهران: چاپ اول.
- آزاد، زهرا و پرتوی، پروین (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی جایگاه میدان تهران در حفظ و ارتقای خاطره جمعی شهروندان (نمونه موردی: میدان تجریش و میدان بهارستان)، *فصلنامه مطالعات شهری*، شماره چهارم: ۱-۱۲.

اصغرزاده یزدی، سارا (۱۳۸۹). اصول پیشنهادی نوشهرگرایی در برنامه‌ریزی محله‌های شهری. مسکن و محیط روستا، دوره ۲۹، شماره ۱۳۰: ۵۰-۶۳.

الکساندر، کریستوفر و چرمایف، سرج (۱۳۹۳). عرصه‌های زندگی خصوصی و زندگی جمعی. تهران: دانشگاه تهران.

ایمانی، محسن و سبزیان، مهتاب (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی خانواده‌های شاهد و اینثارگر و خانواده‌های عادی استان لرستان. دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی. سال دهم، شماره ۲۱: ۷-۲۷.

باینگانی، بهمن؛ ایراندوست، فهیم و احمدی، سینا (۱۳۹۲). سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی؛ مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی. مهندسی فرهنگی. شماره ۷۷: ۷۴-۵۶.

پارسی، حمیدرضا (۱۳۸۱). شناخت محتوای فضای شهری. هنرهای زیبا. شماره ۱۱: ۴۱-۴۹.
جباران، محمدرضا (۱۳۹۴). تحلیل مفهومی سبک زندگی. قیاسات. دوره ۲۰، شماره ۷۵: ۱۷۳-۱۸۷.
حائری‌مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. چاپ اول.

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۱). چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله. هنرهای زیبا. شماره ۱۳: ۳۲-۳۹.

رانگ، دنیس (۱۳۴۹). جمعیت و جامعه. ترجمه اسدالله معزی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
ربانی خوراسگانی، علی؛ صدیق‌اورعی، غلامرضا و خنده‌رو، مهدی (۱۳۸۸). بررسی همبستگی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله. علوم اجتماعی (دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد). دوره ۶، شماره ۲: ۱۱۹-۱۴۹.

سیاف‌زاده، علیرضا؛ میره‌ای، محمد و نوده‌فراهانی، مرتضی (۱۳۹۱). نقش کیفیت منظر شهری در ایجاد حیات اجتماعی و هویت مکانی شهروندان (مطالعه موردی: بزرگراه نواب). مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۱۱: ۲۹-۳۹.

سیف‌اللهی فخر، سپیده؛ لاریمیان، تایماز و معززی، مهرطهران (۱۳۹۲). تعیین شاخص‌های مؤثر در خلق مکان‌های امن پیاده‌مدار جهت ارتقای تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: خیابان بهار آزادی محله خاک‌سفید تهران). انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. شماره ۵: ۸۵-۹۵.

شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱). سبک زندگی به‌عنوان شاخصی برای سطح ایمان. معرفت فرهنگی اجتماعی. سال سوم، شماره ۳: ۶۲-۴۹.

- عبداللهی، مجید؛ صرافی، مظفر و توکلی‌نیا، جمیله (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*. شماره ۷۲: ۸۳-۱۰۲.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق، چاپ اول.
- قنبران، عبدالحمید و جعفری، مرضیه (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در ارتقای تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی، نمونه موردی: محله درکه- تهران. *معماری و شهرسازی ایران*. شماره ۷: ۵۷-۶۴.
- کاوایی، محمد (۱۳۹۱). *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، اسلام و محمدحسینی، پریسا (۱۳۹۷). بررسی تأثیر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی بر پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکن مهر اردبیل). *مطالعات شهری*. شماره ۲۶: ۴۳-۵۶.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۱). *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*. منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ بیست و دوم.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۶). *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- نواداد، لیلا (۱۳۹۳). *تعاملات اجتماعی در فضای شهری*. کنگره بین‌المللی پایداری در معماری و شهرسازی-شهر مصدر: ۳-۷.
- وبر، ماکس (۱۳۸۷). *دین، قدرت، جامعه*. احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس، چاپ سوم.
- Adler, A. (1929). *Problems of neurosis: A book of case histories*. New York: Harper & Row.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction*, Cambridge, Mass. Harvard university press.
- Brunso, K. and Grunert, G. (2004). Closing the Gap between Values and Behavior a means End Theory of Life Style. *Journal of Business Research* . Vol. 57, pp: 665-670.
- Daneshpour , S and Charkhchian, M. (2007). Public spaces and factors affecting collective welfare. *Bagh-e-Nazar Journal*, 4th time, no.7 . pp: 19-28. (in persian).
- Evanse ,D and Jackson, T. (2007). *Towards a Sociology of Sustainable Lifestyles*. University of Surrey.
- Fransman, R and Timmere, A. (2017). Psychological and social factors underlying pro-environmental behaviour of residents after building retrofits in the City-zen project. *Energy procedia*. No.122. pp: 1051-1056.
- Fuchino ,Y and Mizoue,T and Tokui,N and Ide,R and Fujino,Y and Yoshimura,T.(2003). Health-related lifestyle and mental health among inhabitants of a city in Japan. *Nippon-Koshu-Eisei-Zasshi*, no.50. pp: 303-313.

- Loov, T and Miegel, F. (1990). The notion of lifestyle: Some theoretical consideration. *The Nordicom Review of Nordic Mass Communication Research*, No.1 . pp: 21-31.
- Mahmoud, A, M. (2018). *The impact of built environment on human behaviors*. Environmental Science and Sustainable Development.
- Motalebi, Gh. (1998). *A Theory of Meaning in Architecture and Urban Design: An Ecological Approach*, Unpublished PhD dissertation, Faculty of the Built Environment, The University of New South Wales, Sydney.
- Peterson, R.A. (1983). Patterns of cultural choice. *American Behavioral Scientist*. Vol.26. No.4. pp:422-438.
- Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture (Foundations of Cultural Georaphy Series)*. New Jersey: Prentice-Hall.
- Safire, W. (1997). *Watching My Language: advices in the word trade*. Random House.
- Stebbins, R. (1997). Lifestyle as a generic concept in ethnographic research. *Quality & Quantity*. No.31. pp:347-360.
- Veal, A.J. (1993). *The concept of lifestyle: A review*. Leisure Studies. Vol.12. pp: 233-252.
- Zablocki, B and Kanter, R, M. (1976). *The differentiation of lifestyles*. American Sociological Review. pp:269_298.